

ماجرای عشق و عاشقی میدون

ماجرای عجیب رابین هود و زورو و سیبل جان و سلین دیون

پوریا عالمی

● خواب عجیبی دیدم که برایت تعریف می‌کنم سوفیا: دیشب خواب دیدم که زورو آمده ایران و می‌خواهد از پولدارها بدزد و بدهد به فقرا. منتها به دلیل شعارهایی که می‌دهد، مردم با احمدی‌نژاد اشتباهش می‌گیرند و صف می‌بندند تا بهش نامه بدهند که زورو هم مثل احمدی‌نژاد به مردم وام بلااستفاده و تسهیلات بدهد. در همین وانفاس که مردم صف کشیده بودند، مأموران می‌آیند و زورو را به اتهام سدمعبر می‌برند. زورو در دفاعیات خودش توضیح می‌دهد که قصدش این بوده که از پولدارها بدزدد و به فقرا بدهد. ولی با اسنادی که رو می‌شود معلوم می‌شود زورو از فقرا می‌دزیده. زورو توضیح می‌دهد این فقرایی که شما می‌گوی، قبل از مسئولیتشان فقیر بودند و بعد از مسئولیت پولدار شدند منتها هنوز داشتند با همان کت و شلوار نخ‌ریسه رفت‌وآمد می‌کردند که تابلو نشوند. زورو نمی‌تواند از اتهاماتش مبرا شود و معلوم می‌شود او شریکی دارد به نام رابین‌هود که در داخل و خارج از ایران شرکت دارد و با تزلی پول پولدارها را می‌دزدد و از کشور خارج می‌کند. طبق تحقیقات انجام‌شده معلوم می‌شود پولدارها خودشان پولشان را از کشور قبلا خارج کرده بودند به همین دلیل رابین‌هود مجبور شده پول مردم و پول دارو و پول نفت را این‌طوری از کشور خارج کند. رابین‌هود در همین حیص و بیص با سیبل جان آشنا می‌شود که خواننده خارجی است (با ابراهیم تاتلیس که سیبل دارد اشتباه نشود) و با هم ازدواج می‌کنند. رابین‌هود و سیبل جان با تغییر نامشان به راب‌این‌هود و سیبلو جون از ترکیه هم خارج می‌شوند و می‌روند کانادا تا با محمودرضا خاوری به‌عنوان استاد بزرگ دیدار کنند. خاوری اما آنها را به حضور نمی‌پذیرد و می‌گوید سلین دیون روی خوانندگان زن حساس است و اگر بداند من سیبل جان را به خانه راه داده‌ام، قصه می‌شود. دراین‌میان خواب دیدم که شبکه یک صداوسیما یک نشست ترتیب داده و گفته اگر ما خودمان سیبل جان و سلین دیون به اندازه کافی در کشور داشتیم، مردم پول ملت را بالا نمی‌کشیدند که بروند بغل اینها، همسایه‌شان شوند. بعد از این برنامه سازنده قرار می‌شود تلویزیون ایران چند خواننده مناسب برای جلوتری از خروج ارز از کشور به جامعه معرفی کند. (از آوردن اسم خوانندگان معرفی‌شده معذوریم). اما سوفیا بعد از اینها بود که خواب دیدم تو دوستم داری. آیا خواب من چپ است؟

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۲۳ خرداد ۱۳۹۵ • ۶ رمضان ۱۴۳۷ • ۱۲ ژوئن ۲۰۱۶ • سال سیزدهم • شماره ۲۶۰۵ • ۲۰ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۳:۰۴ • اذان مغرب ۲۰:۴۲ • اذان صبح فردا ۴:۰۲ • طلوع آفتاب ۵:۴۸

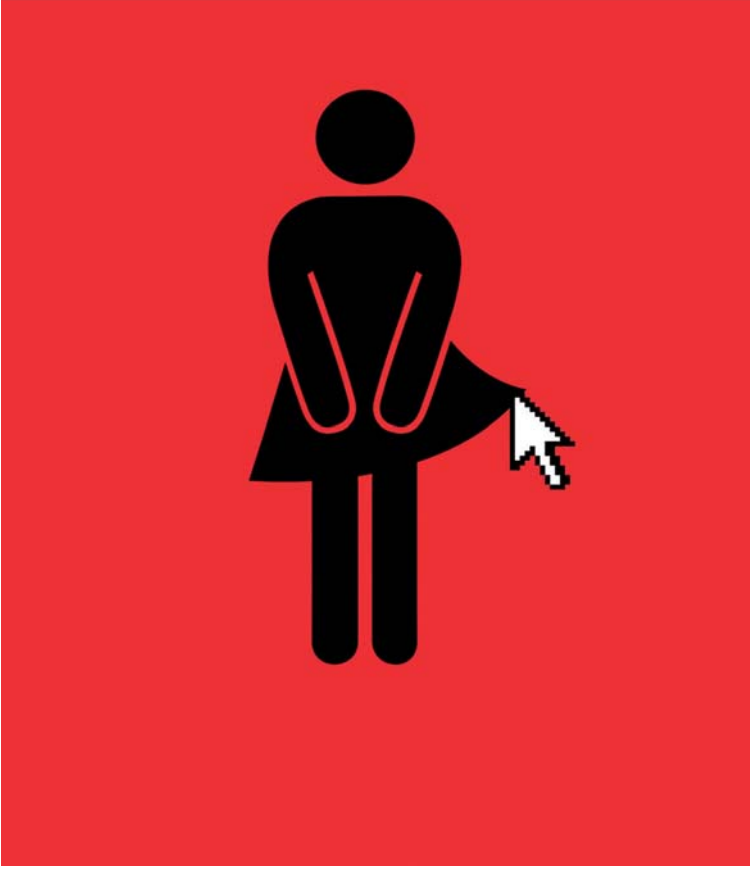
روزنامه‌فرو

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

علی رومانی
aliromani84@gmail.com

یونیسف: از هر ۱۰ نوجوان، ۸ نفر در معرض خطر سوءاستفاده جنسی آنلاین هستند.



جشنواره حساب های قرض الحسنه پس انداز بانک ملت

با هههه جایزه ویژه



۱۵۵۶ کیلومترا سکناس ۵۰ هزارریالی
معادل ۵۱۵/۵۱۵/۴۷۱ ریال برای ۱۰۰۰ نفر به تساوی

- ۱۰۰۰ کمک هزینه خرید منابع دستی هر یک به ارزش ۳۰ میلیون ریال**
- ۵۰۰/۰۰۰ جایزه نقدی هر یک به ارزش ۷۰۰ هزار ریال**
- آغاز دوره قرعه کشی و محاسبه امتیاز ۱/۱/۱۳۹۴**
- مهلت افتتاح حساب یا افزایش موجودی تا ۳/۳/۱۳۹۵**
- هر ۵۰۰ هزار ریال در هر روز یک امتیاز**



بانک ملت
bank mellat
www.bankmellat.ir

سلام به فردا

عربستان و راهبرد «زرو زور و تزویر»

داریم (۲۹ خردادماه)، راهبرد «زرو زور و تزویر» در مدیریت حاکمان عربستان سعودی چنین پیامدهایی را در تحولات منطقه و سیاست‌های بین‌المللی موجب شده باشد. حاکمیت آل‌سعود در جایگاه نهاد دین و قدرت در عربستان و با دراختیارداشتن دلارهای نفتی و قدرت نظامی و سوءاستفاده از مناسک و ظواهر دینی این‌چنین در تقابل معارف اسلام رحمانی و ارزش‌ها و کرامت انسانی ایستادگی و بستری برای تأمین منافع کشورهای خارجی به‌ویژه آمریکا در منطقه فراهم می‌کند. به طور اختصار، راهکار خروج از این وضعیت در منطقه، ایجاد تحول و تأمین آزادی، دموکراسی و حقوق‌بشر و حاکمیت ملت‌هاست که البته این تحول نیاز به طی فرایند توسعه آگاهی شهروندان و زمان خواهد داشت. اعتراض نهادهای مدنی و حقوق‌بشری و دولت‌ها در سراسر جهان به‌ویژه در منطقه خاورمیانه در بازنگری و توقف اجرای چنین تصمیمی در سازمان‌ملی می‌تواند مفید و تأثیرگذار باشد.



محمد توسلی

انتشار خبر تصمیم دبیرکل سازمان‌ملل درخصوص برداشتن موقت نام ائتلاف کشورهای عربی تحت نام عربستان سعودی از فهرست سیاه آن سازمان در روزهای اخیر، واکنش‌ها و تحلیل‌های مختلفی را در پی داشت. از یک‌سو بان‌کی‌مون، دبیرکل سازمان‌ملل، اعلام کرده است که درج نام ائتلاف سعودی در فهرست سیاه که به دلیل کشتار کودکان اتخاذ شد اینک به علت تهدید قطع کمک‌های مالی به برنامه‌های سازمان‌ملل موجب این تصمیم شده است. وی درعین‌حال این تصمیم را دردناک‌ترین و دشوارترین تصمیم توصیف کرده است. از سوی دیگر دیده‌بان حقوق‌بشر و عفو بین‌الملل ضمن

پاسخ به فراخوان

به بهانه روز جهانی مقابله با کار کودک

روزگار «بچه‌بی ادب» سرآمده



مسعود کرامتی

● دفاع از حقوق کودکان و از میان‌بردن همه اشکال خشونت علیه آنان از آن‌دست موضوعات «ظاهر من الشمس» است. آن‌قدر شفاف و آن‌قدر واضح که گاهی احساس می‌شود نیاز نیست درباره‌اش توضیح داد. باوجوداین به نظر می‌رسد در کشور ما به تبع بسیاری از حوزه‌ها که در آن از دنیا عقب هستیم، در این زمینه هم عقب مانده‌ایم. فک‌کردن به مسئله منع خشونت علیه کودکان و شناخت این موضوع باید جدی گرفته شود؛ چراکه کودکان به دلیل وضعیتشان و کم‌بودن توانایی‌هایشان در برابر بزرگ‌تراها، ضعیف هستند و ازهمین‌رو نیازمند مراقبت، نیازمند اینکه به عنوان انسان هوای آنها را داشته باشیم. نیازمند اینکه بدانیم بلاهایی که ما آدم‌بزرگ‌ها سر خودمان و دیگران می‌آوریم، بیشترین لطمه را ابتدا به کودکان و بعد به زنان وارد می‌کند؛ چراکه این دو گروه



به خاطر شرایطشان بیشترین آسیب‌ها را متحمل می‌شوند و نیز بدانیم اعمالی که منجر به این آسیب‌ها می‌شود، غیرانسانی است. بیاییم انسان باشیم و موجودی به اسم کودک را درک کنیم و سعی کنیم حتی اگر از حقوق آنها دفاع نمی‌کنیم، دست‌کم به آنها آسیب نزنیم. دراین‌میان رسانه اعم از سینما و تلویزیون همیشه تأثیرگذار بوده، هست و خواهد بود. به‌ویژه این روزها که جوامع به سمتی می‌روند که صاحب آگاهی شوند، عمده‌ترین کار را رسانه‌ها انجام می‌دهند. سینما و تلویزیون می‌تواند در زمینه حقوق کودکان و منع خشونت علیه آنان آگاهی‌بخش باشد. باوجوداین گاهی همین سینما و تلویزیون خشونت علیه کودکان را ترویج می‌کند؛ اما این اتفاق بیش از همه چیز ناشی از ناآگاهی است. هم در ایران و هم در سایر کشورهای دنیا، هیچ سینماگری و هیچ آدم اهل رسانه‌ای آگاهانه دنبال زیرپا گذاشتن حقوق کودکان نیست؛ اما در هر جامعه‌ای مجموعه‌ای از رفتارها وجود دارد که وقتی آنها را تجزیه و تحلیل و تفسیر و تعبیر می‌کنید، می‌بینید آنچه در پس آنهاست، بی‌توجهی به حقوق کودک و حتی در مواردی خشونت علیه اوست. در همین کشور خودمان برای سال‌ها کودکان به اندازه امروز از حق و حقوقی برخوردار نبودند و بیش از حق و حقوق، برای آنها ممنوعیت وجود داشت و چنانچه کودک‌ی این ممنوعیت‌ها را رعایت نمی‌کرد، با برچسب «بچه بی‌ادب» از «بچه ب‌ادب» جدا و تنبیه می‌شد. شاید در آن روزگار رسانه‌ها هم به عنوان بخشی از فرهنگ این خشونت‌ها را نمایش می‌دادند؛ اما این فرهنگ تغییر کرد؛ به‌طوری‌که حتی بسیاری قائل به این هستند که امروز شاهد نوعی کودک‌سالاری در ایران و دیگر جوامع دنیا هستیم و دیگر هیچ ممنوعیتی برای کودکان وجود ندارد و آنها هر کاری که تمایل داشته باشند، می‌توانند انجام دهند. حتی اگر به این جملات هم اعتقاد نداشته باشیم، می‌دانیم دیگر کمتر کسی است که تنبیه‌کردن کودک‌ش به خاطر رعایت‌نکردن ممنوعیت‌ها را علنی جار بزند و این نشان می‌دهد این فرهنگ تغییر کرده است و به‌تبع‌آن باید رسانه‌ها نیز تغییر کنند. سینما و تلویزیون به خاطر نقش آگاهی‌بخشی‌ای که دارند، به رفتارهای خود بیشتر توجه کنند و مانع از این شوند که خود مروج خشونت باشند. تغییر تنها از این راه ممکن است.

سعید برآبادی: «حبيب محبان» نه‌تنها توانست

در ایران آل‌بوم یا کنسرتی داشته باشد، حتی مجال این را هم نیافت که در قطعه هنرمندان بهشت زهراي تهران به خاک سپرده شود. شاید حالا وقت آن است که نام حبيب را هم به چهره‌هایی بیفزاییم که در قالب آرزوی و وصیت، محلی را برای دفن خود در نظر گرفته بودند اما به دلایلی، جسد بی‌جان‌شان در جایی دیگر، به خاک سپرده شد. محمدحسین خسروپناه، نویسنده و پژوهشگر تاریخ، در این مصاحبه، به «شرق» می‌گوید که **حبيب اولین و آخرین حسرتی دفن‌شدن در نقطه موردعلاقه خود نیست و نخواهد بود.**

● **چه عواملی باعث می‌شود تا یک متوفی نتواند در جایی که آرزو داشته یا وصیت کرده دفن شود؟**

این قضیه ابعاد مختلفی دارد. دلایل خانوادگی مطرح است. دلایل شرعی و عرفی ممکن است در آن نقش داشته باشند و گاهی اوقات هم دلایل سیاسی، مثلا ممکن است خانوادای استطاعت مالی عمل به وصیت متوفی را نداشته باشد یا گاهی خانواده با وجود داشتن امکان مالی، توان عمل به وصیت را به‌خاطر بُعد مسافت یا مقررات ورود جنازه به شهر یا کشور موردنظر نداشته باشند. یک‌سری دلایل شرعی هم هست، محدودیت‌های شرعی در دفن، گاه مانع از دفن فردی در مکان موردنظرش می‌شود.

● **در مورد دلایل سیاسی بیشتر توضیح دهید.**

در بررسی عواملی که باعث می‌شود یک جسد برخلاف وصیت یا آرزویی که داشته در جایی دیگر دفن شود، دلایل سیاسی را هم می‌بینیم؛ مثلا بسیاری از چهره‌های هنری و فرهنگی که در خارج از ایران زندگی می‌کردند اگرچه آرزوی آن را داشتند که پس از مرگ در داخل کشور به خاک سپرده شوند، اما این امکان در اختیار آنها قرار نگرفت. حتی مواردی هم داریم که فرد در داخل کشور زندگی می‌کرده ولی بنا به دلایلی در کشور به خاک سپرده نشده است؛ مثل فرهاد مهراد. البته در این بین هستند افرادی که به‌خاطر مشی سیاسی‌ای که دارند یا مکانی که در آن روزگار تبعید و عسرت خود را می‌گذرانند، امکان و شرایط دفن در کشور را ندارند، سیایش کسرابی از این نمونه‌ها بود که با وجود میل خانواده و آرزوی قلبی خودش، این امکان را نیافت که در سرزمینی دفن شود که به زبان مادری آن شعر می‌گفت. گاه فالغ از قوانین رسمی، نمی‌پذیرند که جنازه فردی از کشوری به موطن خودش بازگردد و در آنجا آرام بگیرد. ابوالقاسم لاهوتی نمونه خوبی از این دسته است. نمونه دیگر مصدق است، او پیش از مرگ وصیت کرده بود که او را در کنار شهدای سی‌ام‌تیر دفن کنند اما

آینه‌های روبه‌رو

خسروپناه از چهره‌هایی می‌گوید که برخلاف وصیتشان دفن شدند

«حبيب»، آخرین مورد نیست

دولت وقت نپذیرفت و دست‌آخر مجبور شدند او را در یکی از ساختمان‌های احمدآباد دفن کنند. ● **اما در بسیاری موارد به نظر می‌رسد به‌هم‌ریختگی شرایط در هنگام مرگ فرد، بهانه خوبی می‌شود برای دفن او در نقطه‌ای متفاوت با آنچه میل او بوده.**
بله نمونه‌های فراوانی داریم از چهره‌هایی که در داخل کشور زندگی می‌کرده‌اند و مشکلی هم به لحاظ سیاسی، فرهنگی، قومی و عقیدتی نداشته‌اند اما در زمان مرگ آنها، اتفاقاتی افتاده و شرایط به صورتی پیش رفته که امکان دفن آنها در مکان موردنظرشان فراهم نشده است؛ شبیه سرانجامی که برای احمد محمود نویسنده اتفاق افتاد. در این موارد اگر موقعیت و شرایط عادی بود، امکان دفن جنازه در مکان موردنظرش فراهم بود اما یکباره وضع به صورتی رقم می‌خورد که آشفتنگی مانع از یک تصمیم‌گیری درست می‌شود. سرگرد سخایی نمونه خوبی از این دسته است؛ یک مصدقی که در بیست‌وششم مرداد به صورت وحشیانه‌ای کشته شد و حالا دیگر قبر واقعی ندارد و آنچه هست، فقط صورت یک قبر دارد. می‌گویند جسدش به شکلی نابود شده که حتی مکان دفن دقیق او مشخص نیست. در کنار این عوامل، عواملی چون فرقه‌گرایی، قوم‌گرایی، عداوهای پایین‌دهی با بالادهی‌ها و... هم گاه مانع از دفن فردی در نقطه موردنظرش می‌شود.

● **فکر می‌کنید علت اصلی چه باشد؟**

اگر از منظر تحلیل جامعه‌شناسانه یا روان‌شناسی اجتماعی با این پدیده برخورد کنیم، نتایج دیگری به دست می‌آید که قابل‌بررسی است. به نظر من، این پدیده از عدم تحمل دیگری، عدم مدارای دیگری و دیگری را از خود ندانستن، ریشه گرفته و حتی به برخورد با شخص مرده هم تعمیم پیدا می‌کند. جامعه‌ای که در سطوح مختلف نمی‌تواند بپذیرای دیگری باشد، باعث می‌شود که به‌جای خانواده فرد- به‌عنوان تصمیم‌گیرنده اصلی- مسکان دفن را گروه دیگری تعیین کنند؛ گروهی که صرفا سیاسی نیست و گاه قبیله‌ای، عرفی و... است.

● **پیامد چنین دفن‌هایی چه خواهد شد؟**

در حقیقت باید بگویم که چنین پدیده‌ای اخلاقا، عرفا و شرعا عمل نامطلوبی است. هرروز هزاران نفر در این کشور می‌میرند و به خاک سپرده می‌شوند، ممکن است که کسی در سطح کشور، شناخته‌شده نباشد اما قطعا در محله خودش شناخته‌شده است و دفن او به این صورت اثرات بدی در پی خواهد داشت. علت چنین رخدادی را فقط می‌شود حسد زه و نیاز است که خود مسئولان در این زمینه توضیح بدهند اما باید بررسی شود که آیا تعمدی در کار است یا ملاحظات مسئولیتی، بوروکراسی و سردرگمی، در نهایت باعث می‌شود که با چنین رفتی، فرد متوفی بیشتر مشهور شود.



عکس نوشت



مخالفان «نیکلاس مادورو»، رئیس‌جمهور ونزوئلا خیابان‌ها را به آتش کشیده‌اند. مخالفان دولت ونزوئلا پس از آن به خیابان‌ها آمدند که شورای انتخابات این کشور اعلام کرد هویت بیش از یک‌میلیون و ۳۰۰ هزار نفری که با امضای طوماری، خواستار برگزاری همه‌پرسی و برگزاری مادورو شده بودند، باید احراز شود. مخالفان می‌گویند این تصمیم شورای انتخابات، حرکتی سیاسی و در حمایت از دولت است و باعث می‌شود همه‌پرسی در سال جاری اتفاق نیفتد. شورای انتخابات تاکنون امضای ۶۰۰ هزار نفر را باطل کرده است. ونزوئلا درحال حاضر از بحران اقتصادی رنج می‌برد که باعث نایاب‌شدن غذا در برخی از نواحی این کشور شده است و همین آتش بحران خیابانی را شعله‌ورتر می‌کند.